



دانشگاه باقرالعلوم
(عبر دوس - عبر الفیاض)

دانشگاه باقرالعلوم «علیه السلام»
دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و مصر پس از انقلاب 2011

استاد راهنما:

دکتر محمد ستوده آرانی

استاد مشاور:

دکتر محمدحسن زمانی

نگارش:

محمدعلی صادق زاده

فروردین 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحه صورت جلسه دفاعيه

تقدیم به:

روح پر فتوح بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و
ولی امر مسلمین جهان، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای
(دامت برکاته) و به جوانان همسالم که پایان نامه‌یشان را در مدت هشت سال جنگ
تحمیلی، با نمره عالی شهادت دفاع کرده‌اند؛ روحشان شاد.

تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس به درگاه خداوند جان و خرد که که نعمت علم و قلم را به ما اعطا فرموده است. و با تشکر از اساتید و بزرگوارانی که در طول تحصیل افتخار شاگردی آنان را داشته‌ام؛ بویژه استاد محترم جناب آقای دکتر ستوده و همچنین جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر زمانی که با راهنمایی‌های دلسوزانه، مدیرانه و عالمانه این دو استاد بزرگوار، توانسته‌ام این رساله را به سرانجام برسانم.

چکیده

ایران و مصر به عنوان دوکشورمهم تاریخی و تمدنی درجهان اسلام می باشد و چگونگی روابط دوجانبه می توان بر تحولات منطقه ای و حتی جهان اسلام تاثیر تعیین کننده داشته باشد. اشتراک در دین، سابقه درخشان تمدنی، موقعیت مناسب جغرافیایی دوکشور، منابع طبیعی، منافع اقتصادی، سیاسی و سازمانی، امنیتی و منطقه ای، می تواند از مهمترین زمینه های تقویت روابط دیپلماتیک میان این دوکشور محسوب شود. ایران و مصر با شناسایی و تاکید بر فرصت ها، توانمندی ها و اتخاذ سیاست همکاری جویانه و راهبرد مشترک در برابرکشورهای رقیب و همچنین با کنارگذاشتن اختلافات، می توانند منافع مشترک و راهبردی خود را درسطح منطقه ای و بین المللی تقویت نمایند. با انقلاب 2011 مصر، زمینه های گسترش روابط دوجانبه درسطوح مختلف فراهم گردید و امید می رفت تا روند روبه بهبود روابط دوکشور ادامه یابد؛ اما چالش های فراروی انقلاب مصر بار دیگر آینده روابط دوکشور را با چالش مواجه نمود؛ اما به نظر می رسد با توجه به ظرفیت ها و قابلیت های میان دوکشور در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امکان غلبه بر چالش ها و تحکیم روابط دوجانبه درجهت منافع مشترک همچنان وجود دارد. شناسایی این فرصت ها می تواند گامی مهم و موثری در تدوین سیاست های راهبردی دوکشور درجهت بهبود روابط دوجانبه و تأمین منافع دوکشور باشد.

واژگان کلیدی: ایران، مصر، انقلاب 2011، فرصت، چالش

فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تحقیق
2	1. بیان مسأله:
3	2. اهمیت و فایده:
3	3. سابقه تحقیق:
3	4. هدف تحقیق:
4	5. سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق:
4	5-1. سوال اصلی:
4	5-2. سوالات فرعی:
4	6. چارچوب نظری تحقیق:
4	7. فرضیه های تحقیق:
5	8. پیش فرض های تحقیق:
5	9. سازماندهی تحقیق:
6	فصل اول: کلیات (مفاهیم و چارچوب نظری)
7	1. مفاهیم:
7	1-1. انقلاب (Revolution):
7	1-2. فرصت (Opportunity):
8	1-3. چالش (Challenge):
8	2. چارچوب نظری (ادبیات نظری منافع ملی ایران و مصر):

- 2-1. تاریخچه کاربرد مفهوم منافع ملی 8
- 2-2. تعریف مفهوم منافع ملی 10
- 2-3. انواع منافع ملی: 10
- 2-3-1. منافع موازی: 10
- 2-3-2. منافع متعارض: 10
- 2-3-3. منافع مشترک: 11
- 2-3-4. منابع اختلاف زا: 11
- 2-4. دفاع از مفهوم منافع ملی 11
- 2-4-1. منفعت ملی تامین کننده خیر مشترک است 11
- 2-4-2. منفعت ملی راهنمایی بی بدیل برای مناسبات بین المللی است 11
- 2-5. منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران 12
- 2-6. منابع و عوامل تعیین کننده مسئولیت: 13
- 2-6-1. ایدئولوژی: 13
- 2-6-2. عقل و فطرت: 13
- 2-6-3. معاهدات و قراردادها: 13
- 2-6-4. عرف و مصالح اجتماعی: 14
- 2-7. قدر متیقن مسئولیت‌های فراملی 15
- 2-8. جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران 15
- 2-8-1. عناصر و مصادیق ملی 15
- 2-8-1-1. منافع دفاعی: 16
- 2-8-1-2. منافع مربوط به نظم جهانی و نظام بین المللی: 16
- 2-8-1-3. منافع اقتصادی: 16
- 2-8-1-4. منافع ایدئولوژیک: 17

2-8-2. دستاورد نظری..... 18

3. کلیات:..... 19

3-1. سابقه روابط ایران و مصر..... 19

3-2. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر روابط دوکشور..... 24

3-2-1. تعامل و همکاری‌های ایران و مصر..... 26

3-3. تاثیر انقلاب 2011 مصر بر روابط دوکشور..... 28

فصل دوم: فرصت‌ها و چالش‌های عمومی روابط ایران و مصر.

کفتار اول: فرصت‌های عمومی روابط ایران و مصر.....

1. فرصت‌های تجاری - اقتصادی.....

1-1. زمینه‌های مشترک همکاریهای اقتصادی.....

1-1-1. موقعیت جغرافیایی دوکشور.....

1-1-2. منابع و معادن.....

1-1-3. شاخص‌های اقتصادی مصر.....

1-2. زمینه‌های مشترک همکاریهای تجاری و بازرگانی.....

1-2-1. روابط تجاری و بازرگانی.....

1-2-2. ایران دروازه ورود مصر به آسیای مرکزی.....

1-2-3. برق رسانی، ارتباطات و حمل و نقل.....

2. فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی.....

2-1. میراث فرهنگ اسلامی دوکشور.....

2-2. دانشگاه الازهر مصر.....

2-3. سابقه تقریب بین المذاهب.....

2-3-1. اهداف جمعیت دارالتقریب:.....

2-4. محبت به اهل بیت (ع).....

2-5. تبادلات علمی و فرهنگی علما، نخبگان و دانشگاهیان.....

2-5-1. اهداف و خدمات اتحادیه دانشگاه‌های جهان اسلام.....

2-6. ایران و مصر و گفتگوی تمدنها... **Error! Bookmark not defined.**

3. فرصت‌های سیاسی و سازمانی **Error! Bookmark not defined.**

3-1. در سطح دولتی **Error! Bookmark not defined.**

3-1-1. تقویت روابط دیپلماتیک **Error! Bookmark not defined.**

- شرایط برقراری روابط دیپلماتیک. **Error! Bookmark not defined.**

- وظایف مأموران دیپلماتیک **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2. همکاری در سازمانهای منطقه‌ای. **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2-1. همکاری ایران و مصر در کنفرانس اسلامی؛ (OIC). **Error! Bookmark not defined.**

- اهداف سازمان کنفرانس اسلامی: **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2-2. عضویت ایران و مصر در جنبش عدم تعهد؛ (NAM). **Error! Bookmark not defined.**

- حضور سران ایران و مصر در نشست‌های جنبش عدم تعهد. **Error! Bookmark not defined.**

الف- اجلاس دوم، مصر... **Error! Bookmark not defined.**

ب- اجلاس پانزدهم، مصر. **Error! Bookmark not defined.**

- عضویت ایران در جنبش عدم تعهد. **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2-3. همکاری ایران و مصر در گروه دی هشت؛ (D8). **Error! Bookmark not defined.**

3-1-2-4. همکاری ایران و مصر در گروه پانزده؛ (G 15). **Error! Bookmark not defined.**

3-2. در سطح ملی **Error! Bookmark not defined.**

3-2-1. همکاری با نیروهای اسلامی و انقلابی در مصر (اخوان). **Error! Bookmark not defined.**

3-2-2. صهیونیسم ستیزی دو ملت. **Error! Bookmark not defined.**

3-2-3. بازتاب سازمانهای مردم نهاد (NGO) در مصر. **Error! Bookmark not defined.**

گفتار دوم: چالش‌های عمومی روابط ایران و مصر **Error! Bookmark not defined.**

1. منافع و اهداف اسرائیل در مصر **Error! Bookmark not defined.**

2. راهبرد آمریکا در مصر **Error! Bookmark not defined.**

فصل سوم: فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره‌ی حکومت محمد

مرسی (حاکمیت اخوان)..... Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: فرصت‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی مرسی. Error! Bookmark not defined.

1. برقراری روابط دیپلماتیک در سطح سیاسی - سازمانی. Error! Bookmark not defined.

1-1. سفر دکتر محمد مرسی رئیس جمهور مصر به ایران در شانزدهمین

اجلاس غیر متعهدها..... Error! Bookmark not defined.

سخنرانی‌های مهم..... Error! Bookmark not defined.

1. سخنرانی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

(زیده عزه)..... Error! Bookmark not defined.

2. سخنرانی رئیس جمهور مصر دکتر محمد مرسی..... Error!

Bookmark not defined.

3. سخنرانی رئیس جمهور ایران دکتر محمود احمدی‌نژاد.. Error!

Bookmark not defined.

1-2. سفر دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران به مصر در اجلاس

سران کشورهای اسلامی..... Error! Bookmark not defined.

1-3. تبادل نظر درباره تحولات منطقه‌ای. Error! Bookmark not defined.

2. در سطح اقتصادی - تجاری..... Error! Bookmark not defined.

3. در سطح فرهنگی، اجتماعی و تمدنی..... Error! Bookmark not defined.

3-1. فعال شدن صنعت گردشگری و توریسم. Error! Bookmark not defined.

الف- اثرات مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

ب- اثرات غیر مستقیم:..... Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: چالش‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی مرسی. Error! Bookmark not defined.

1. زمینه‌های ضعف حکومت مرسی..... Error! Bookmark not defined.

1-1. ناکارآمدی و فقدان کادر توانمند در دولت مرسی. Error! Bookmark not defined.

1-1-1. افراط گرایی در اندیشه‌های اخوان. Error! Bookmark not defined.

1-1-2. خلف وعده اخوان المسلمین. Error! Bookmark not defined.

1-1-3. اتخاذ موضع مخالف با بشار اسد. Error! Bookmark not defined.

- 1- 1- 4. رشد گروه‌های مخالف مرسی در مصر. **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 2. غربزدگی مرسی و دولتمردان همکار. **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3. انحراف بیداری اسلامی در مصر... **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 1. ماهیت انقلاب مصر.... **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 2. بیانات مقام معظم رهبری در خصوص مصر. **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 4. حزب آزادی و عدالت. **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 4. ضعف اقتصادی حکومت مصر و نیازمندی به حمایت آمریکا و عربستان..... **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 5. ایران هراسی سیاسی.... **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 6. شیعه هراسی مذهبی.... **Error! Bookmark not defined.**
- 1- 3- 7. ابقاء مهره‌های استعماری نظام مبارک در حکومت انقلابی. **Error! Bookmark not defined.**
2. کشورهای رقیب یا مخالف ایران در منطقه و فرامنطقه. **Error! Bookmark not defined.**
- 2- 1. منافع و اهداف عربستان در مصر. **Error! Bookmark not defined.**
- دلایل و ریشه‌های سردی روابط بین اخوان المسلمین و نظام سعودی. **Error! Bookmark not defined.**
- 1- نگرانی سعودی‌ها از فراگیر شدن الگوی اخوان در جهان عرب. **Error! Bookmark not defined.**
- 2- نگرانی از نزدیک شدن اخوان المسلمین به ایران. **Error! Bookmark not defined.**
- 2- 2. منافع و اهداف ترکیه در مصر..... **Error! Bookmark not defined.**
- 2- 2- 1. فرصت‌های پیش روی ترکیه در بستر تحولات مصر. **Error! Bookmark not defined.**
- 2- 2- 1- 1. ارائه الگوی حکومتی به کشورهای انقلابی .. **Error!**
- Bookmark not defined.**
- 2- 2- 1- 2. تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای **Error! Bookmark not defined.**
- not defined.**
- 2- 2- 1- 3. اهمیت اقتصادی مصر برای ترکیه..... **Error!**
- Bookmark not defined.**
- 2- 2- 1- 4. همکاری استراتژیک با مصر **Error! Bookmark not defined.**
- not defined.**
- 2- 2- 1- 5. ایفای نقش موثر در مصر و کسب اعتبار برای ترکیه
- Error! Bookmark not defined.**.....

2-3. منافع و اهداف قطر در مصر Error! Bookmark not defined.....

2-4. منافع و اهداف اسرائیل در مصر Error! Bookmark not defined...

2-5. راهبرد آمریکا در مصر Error! Bookmark not defined.....

2-6. راهبرد اروپا در مصر Error! Bookmark not defined.....

فصل چهارم: فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی حکومت السیسی. Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: فرصت‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی حکومت السیسی. Error! Bookmark not defined.

1. در سطح سیاسی - سازمانی Error! Bookmark not defined.....

1-1. همکاری منطقه‌ای ایران و مصر برای مقابله با تروریسم و تندروری

Error! Bookmark not defined..... مذهبی

1-2. همکاری امنیتی و ثبات منطقه‌ای Error! Bookmark not defined..

Error! Bookmark not defined..... امنیت از طریق همگرایی

1-3. همکاری از طریق سازمانهای منطقه‌ای. Error! Bookmark not defined.

1-4. سازمانهای مردم نهاد و NGOها Error! Bookmark not defined...

2. در سطح اقتصادی- تجاری Error! Bookmark not defined.....

3. در سطح فرهنگی، اجتماعی و تمدنی Error! Bookmark not defined.....

3-1. همکاری در زمینه شبکه‌های ارتباطی، رسانه‌ای و همکاری‌های قرآنی. Error! Bookmark not defined.

3-1-1. همکاری‌های رسانه‌ای و هنری. Error! Bookmark not defined.

3-1-2. همکاری‌های قرآنی و فقهی. Error! Bookmark not defined.

گفتار دوم: چالش‌های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی حکومت السیسی. Error! Bookmark not defined.

1. کشورهای رقیب یا مخالف ایران در منطقه و فرامنطقه. Error! Bookmark not defined.

1-1. اقدامات عربستان برای مقابله با اخوان. Error! Bookmark not defined.

1-1-1. حمایت از سلفی‌ها Error! Bookmark not defined.....

1-1-2. دامن زدن به فتنه داخلی در مصر. Error! Bookmark not defined.

1-1-3. بازگرداندن عناصر نظام سابق به قدرت. Error! Bookmark not defined.

2-1. منافع و اهداف قطر در مصر Error! Bookmark not defined.....

3-1. منافع و اهداف اسرائیل در مصر... Error! Bookmark not defined...

4-1. راهبرد آمریکا در مصر..... Error! Bookmark not defined.....

5-1. راهبرد اروپا در مصر..... Error! Bookmark not defined.....

2. احزاب و گروههای سلفی مخالف ایران در مصر. Error! Bookmark not defined.

فصل پنجم: الزامات و راهکارهای استفاده از فرصت‌ها و کنترل چالش‌های روابط

ایران و مصر..... Error! Bookmark not defined.....

1. در سطح سیاسی..... Error! Bookmark not defined.....

1-1. تلاش برای رفع موانع روابط دیپلماتیک دو کشور؛. Error! Bookmark not defined.

2-1. دریافت واقع بینانه از تحولات انقلابی در منطقه به نفع دو کشور؛. Error! Bookmark not defined.

3-1. تعامل دوجانبه جهت تقویت جریانهای معتدل اسلامی در منطقه؛. Error! Bookmark not defined.

4-1. بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانهای منطقه‌ای در جهان اسلام؛. Error! Bookmark not defined.

5-1. تقویت روند اعتمادسازی دوجانبه و تنش زدایی در جهت دستیابی به

منافع مشترک؛..... Error! Bookmark not defined.....

2. در سطح اقتصادی..... Error! Bookmark not defined.....

3. در سطح فرهنگی..... Error! Bookmark not defined.....

3-1. بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی... Error! Bookmark not defined...

3-1-1. دیپلماسی فرهنگی و مفهوم قدرت نرم. Error! Bookmark not defined.

3-2. دیپلماسی فرهنگی و تقویت روابط ایران و مصر. Error! Bookmark not defined.

نتیجه‌گیری..... Error! Bookmark not defined.....

فهرست منابع..... Error! Bookmark not defined.....

الف) کتابها..... Error! Bookmark not defined.....

ب) مقالات..... Error! Bookmark not defined.....

ج) سایت..... Error! Bookmark not defined.....

مقدمه:

طرح تحقیق

1. بیان مسأله:

ایران و مصر از مهمترین کشورهای مسلمان با سابقه تمدنی، فرهنگ کهن و دارای ظرفیت‌های و قابلیت‌های زیادی جهت تاثیر گذاری بر تحولات منطقه‌ای و جهان اسلام می‌باشند. مصر بزرگترین کشور جهان عرب است و دانشگاه اسلامی الازهر که از جایگاه ویژه‌ای در جهان اسلام برخوردار است، در این کشور می‌باشد. از طرفی دو کشور ایران و مصر از مشابهت‌های فرهنگی قابل توجهی برخوردارند. هم‌اکنون در سطح دانشگاهی بیش از سه هزار دانشجوی فارسی زبان در حال تحصیل در مصر هستند و اساتید و دانشجویان، علاقه زیادی به موضوعات ایرانی و انقلاب ایران نشان داده‌اند. گرچه در سطح سیاسی روابط دوکشورداری فراز و فرودهایی بوده است، اما روابط دو کشور در صورتی که در سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ارتقا یابد و موانع پیش رو کنترل شود، می‌تواند آثار و پیامدهای گسترده‌ای را در شکل دهی به نظم خاورمیانه و حتی جهان اسلام به همراه داشته باشد. با انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 این امید وجود داشت که روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دوجانبه براساس زمینه‌های مشترک تقویت گردد، اما بزودی روابط دو کشور تیره گشت و متعاقب آن روابط دیپلماتیک میان این دو کشور قطع گردید.

در شرایط جدید با انقلاب 2011 مصر زمینه برای برقراری روابط و گسترش آن ایجاد شد. اما تحولات پس از انقلاب مصر روابط دو کشور را با چالش‌های جدیدی همراه ساخت، در صورتی که دو کشور بتوانند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی دو کشور استفاده نمایند، می‌توان امیدوار بود که در این مقطع روابط دو کشور بهبود یافته و دو طرف در جهت تقویت منافع مشترک و رفع منافع اختلاف‌زا همکاری نمایند. این رساله در پی بررسی و مطالعه زمینه‌های مشترک دو کشور می‌باشد و این که چگونه دو کشور می‌توانند با بهره‌گیری از

فرصت‌های ایجاد شده به رفع یا کنترل موانع و محدودیت‌های موجود پردازند.

2. اهمیت و فایده:

انجام رساله حاضر نه تنها می‌تواند ادبیات علمی روابط ایران و مصر را تقویت نماید و به درک واقع بینانه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های روابط دوکشور کمک نماید، بلکه می‌تواند در جهت تأمین منافع ملی کشور و تقویت روند همگرایی کشورهای اسلامی در منطقه باشد. همچنین به لحاظ کاربردی می‌تواند در تدوین راهبردها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران نسبت به کشور مصر موثر باشد.

3. سابقه تحقیق:

در رابطه با موضوع رساله منابع متعددی وجود دارد، اما غالباً معطوف به روابط قبل از انقلاب ایران و یا تاریخ مصر است و نسبت به دوره اخیر منابع کمتری وجود دارد. برخی از این منابع عبارتند از:

(آشنایی با کشورهای جهان اسلام: مصر، مصطفی قاسمی، 1390) و همچنین (ایران و مصر: چالش‌ها و فرصت‌ها، اصغر جعفری ولدانی 1387) و (برآورد استراتژیک مصر جلد اول، مختار حسینی و دیگران؛ 1381) و (بررسی روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ایران و مصر، مهدی گلجان، 1384) و (مصر از زاویه ای دیگر، جمیله کدیور، 1373) و (مصر، سید مهدی تکیه‌ای، 1357)

بررسی منابع فوق نشان می‌دهد که محتوی این منابع مربوط به کلیات جغرافیای سیاسی و اجتماعی مصر و یا روابط ایران و مصر قبل از انقلاب ایران و یا بازتاب انقلاب ایران در جامعه مصر است و کمتر با رویکرد منطقه‌ای روابط دو جانبه مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که موضوع پژوهش حاضر می‌تواند از بداعت و نوآوری برخوردار باشد.

4. هدف تحقیق:

بررسی موانع روابط ایران و مصر و بیان ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی دوکشور و

پیشنهاداتی جهت برون رفت از چالش‌ها.

5. سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق:

5-1. سوال اصلی:

فرصت‌ها و چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران با مصر پس از انقلاب 2011 چیست؟

5-2. سوالات فرعی:

- 1- فرصت‌ها و چالش‌های عمومی روابط جمهوری اسلامی ایران با مصر کدام است؟
- 2- فرصت‌ها و چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران با مصر ویژه دوره‌ی حکومت مرسی کدام است؟
- 3- فرصت‌ها و چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران با مصر ویژه دوره‌ی حکومت السیسی کدام است؟
- 4- الزامات جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌های روابط با مصر پس از انقلاب 2011 و تحولات پس از آن کدام است؟

6. چارچوب نظری تحقیق:

استفاده از ادبیات نظری منافع ملی و شناسایی منافع مشترک (جهت تقویت روابط دوجانبه ایران و مصر)

7. فرضیه‌های تحقیق:

فرصت‌های روابط دوجانبه ایران و مصر را می‌توان از جمله در سطوح سیاسی، تجاری - اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و تاریخی - تمدنی بیان نمود. و چالش‌های آن را در سطح ملی، برخی احزاب و گروه‌های سلفی مصر و در سطح منطقه‌ای دولت‌های رقیب یا مخالف و در سطح فرامنطقه‌ای دولت‌های مداخله‌گر و یا نفوذگذار جهانی دانست.

8. پیش فرض های تحقیق:

- 1- با انقلاب 2011 مصر زمینه همگرایی و تقویت روابط دیپلماتیک ایران با این کشور ایجاد گردید.
- 2- اراده و تصمیم نخبگان و مسئولین سیاسی دوکشور نقش موثری در نزدیک تر شدن روابط ایران و مصر دارد.
- 3- در صورتی که ایران و مصر بتوانند موانع و چالش های فراروی را کنترل نمایند، روابط دوجانبه می تواند در عرصه دیپلماتیک نیز بهبود یابد.

9. سازماندهی تحقیق:

در فصل اول کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری بحث می شود. در فصل دوم فرصت ها و چالش های عمومی روابط ایران و مصر بحث می شود. در فصل سوم فرصت ها و چالش های روابط دوجانبه ایران و مصر ویژه دوره ی حکومت مرسی مورد بحث قرار می گیرد. در فصل چهارم فرصت ها و چالش های روابط ایران و مصر ویژه دوره ی حکومت السیسی بیان می گردد و در فصل پنجم الزامات استفاده از فرصت ها و کنترل چالش ها بویژه با توجه به ناتمام بودن انقلاب بیان می شود.

فصل اول:

کلیات

(مفاهیم و چارچوب نظری)

1. مفاهیم:

1-1. انقلاب (Revolution):

در لغت به معنای تغییر بنیادی آمده است. (نوروزی خیابانی؛ 1391: 449)

انقلاب به معنای یک تغییر اساسی و عمیق در زیربنای تشکیلات سیاسی و اقتصادی یک جامعه است که معمولاً با اعمال خشونت همراه است، زیرا تغییر زیربنای سیاسی و اقتصادی یک جامعه مستلزم تغییر نظام حاکم است و این تغییر هم بدون یک حرکت عمومی برای سرنگونی نظام حاکم میسر نیست. (طلوعی؛ 1372: 191)

در تعریف دیگر؛ انقلاب به تحول داخلی، سریع، اساسی و خشونت آمیز در ارزش ها و اسطوره های حاکم بر جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری و فعالیت ها و سیاست های دولت اطلاق می شود. (هاتینگتون؛ 1357: 385)

به عبارتی دیگر؛ کسری مشروعیت + ناکارایی + کسری حمایت اجتماعی + خلل در سلطه اجبار + مخالفت سازمان یافته و دارای رهبری و ایدئولوژی انقلابی = فروپاشی و انقلاب سیاسی. (بشیریه؛ 1386: 192)

1-2. فرصت (Opportunity):

در لغت به معنای موقعیت آمده است. (نوروزی خیابانی؛ 1391: 339)

در اصطلاح: فرصت وضعیتی است که در آن، سیستم اجتماعی چالش بوجود آمده را حل کرده و توان هدایت آن را در راستای منافع خود دارد. به عبارت دیگر، فرصت ها بستر هدایت چالش ها پیش رو به سمت جلب منافع و دستاوردها برای آن است. (عبوضی؛ 1388)

17) همچنین می توان گفت: مجموعه امکانات و شرایطی که در محیط مجاور و منطقه ای درسیاست خارجی یک کشور وجود دارد و می توان از طریق آن به اهداف سیاست خارجی دست یافت، فرصت های فراملی یک کشور محسوب می شود.

1-3. چالش (Challenge):

در لغت به معنای، به مبارزه طلبیدن آمده است. (نوروزی خیابانی؛ 1391: 66)
در اصطلاح: چالش ها مسائلی هستند که قابلیت تبدیل شدن به فرصت و تهدید را دارند و حاصل چالش ها تغییر و تحول است. به دیگر سخن چالش عبارت از شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه و ملتی را از بیرون مورد تهاجم قرار داده است و تعادل و توازن را دچار مشکل و بحران نموده است؛ در این صورت «چالش ها چیزی جز تلاش برای بقا نمی توانند معنا بشوند.» (عیوضی؛ 1388: 26)

2. چارچوب نظری

2-1. تاریخچه کاربرد مفهوم منافع ملی

گرچه مفهوم منافع ملی، مشتمل بر دو جز «منافع» و قید وصفی «ملی» دستاورد تحولاتی است که متعاقب انقلاب صنعتی و دموکراتیک در غرب بوجود آمد، اما محتوای مفهوم آن با توجه به هریک از سه گرایش روش شناختی کلی گرایانه (که منافع ملی کشورها را به طور همسانی تابع ساختار قدرت بین المللی می داند)، جزئی گرایانه (که منافع ملی کشور را در ارجحیت های ذهنی تصمیم گیرندگان اصلی هر نظام سیاسی متبلور می بینند) و گرایش پیوستگی دو سطح تحلیل کل و جزء متحول می شود. از لحاظ نظری مفهوم منافع ملی را اولین بار «چارلز بیرد» وارد متون تخصصی روابط بین الملل کرد. وی در کتاب اندیشه منافع ملی: مطالعه ای تحلیلی درسیاست خارجی آمریکا، منافع ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع عمومی در داخل می داند. (سیف زاده؛ 1378: 235) پیدایش مفهوم منافع ملی در غرب، با سه تحول مهم در تاریخ سیاسی و اجتماعی اروپا ارتباط داشته است: 1. ایجاد حکومت های متمرکز و مطلق پادشاهی 2. پیدایش اصل حاکمیت ملی 3. ظهور دولت به مثابه یک نهاد مستقل از افراد و

نماینده کل جامعه و نه نماینده افراد و طبقات خاص.

مناسبات سرمایه داری در اروپا، از قرن پانزدهم میلادی تکوین یافت و در قرون هفدهم و هجدهم اوج گرفت و زمینه انقلاب صنعتی و جهانگیر شدن این مناسبات را فراهم آورد. پیدایش مفهوم «ملت» حاصل رشد مناسبات سرمایه داری است. پیش از رشد این مناسبات، بزرگترین واحد اجتماعی، «قوم» بود. در واقع ملت از اتحاد اقوام پدید آمد؛ آنچه اقوام را در یک ملت و یک کشور پیوند داد، رشد مناسبات کالایی، تجارت، صنعت و اضمحلال اقتصاد معیشتی و خودبسندگی بود و چنین مناسباتی حاصل گسترش و تکامل روابط سرمایه داری و زیان مناسبات فئودالی و پدرسالارانه بود. (تاجیک؛ 1386: 21) از نظر دیرینه شناسی، مفهوم «منفعت» به عنوان منطق رفتار دیپلماتیک، به جریان آغازین شکل گیری و تکامل دولت های مدرن پس از انعقاد معاهده صلح وستفالی به سال 1648 برمی گردد. «نیکلای ماکیاولی» از نظریه پردازان مدرن نسل اول در این باره است. وی در کتاب شهریار خود، به «منفعت» به عنوان اصلی ترین مفهوم در شکل دهی به اندیشه روابط بین المللی توجه می کند. «دوک هنری روهان» نیز از نخستین کسانی است که در قرن هفدهم، لفظ منفعت را به عنوان راهنمای اصلی اهداف دولت ها در عرصه سیاست و حکومت داری وارد نمود. به اعتقاد وی «شهریاران بر مردم و منافع بر شهریاران حکومت می کنند.» در سده هجدهم، ادموندبرک، اروپا را همچون جامعه ای فدراتیو یا نوعی جمهوری دیپلماتیک می پنداشت که بر اساس آن منافع دولت ها منطق نظم دهنده به رفتار میان آن واحدها بود. (کیانی؛ 1386: 13) با شیوع و گسترش انقلابات ملی 1776 آمریکا و 1789 فرانسه، مفهوم منافع ملی به تدریج رایج شد و در زبان سیاستگذاران و دولتمردان اواخر قرن نوزدهم تغییری محتوایی کرد و گرایش آرمان گرایانه ای به خود گرفت. این دیدگاه نسبت به مفهوم منافع ملی که اوج آن در تفکر ویلسون، رئیس جمهور آمریکا در دهه 1910 می بینیم، براساس این مفروضه ذهنی بنا شده است که «هیچ کس از خسران دیگری بهره نمی برد» البته این برداشت آرمان گرایانه از منافع ملی چندان پایدارنماند. (سیف زاده؛ 1378: 236)

مفهوم منفعت ملی را در قرن بیستم نحله های مختلف دو مکتب مسلط روابط بین الملل، یعنی رئالیسم و لیبرالیسم، مطالعه و بررسی کردند، اما همچنان این مفهوم از داشتن

تعریفی دقیق، روشن، منسجم و فراگیر بی بهره است. در واقع از آنجا که این مفهوم در چنبره بسیاری از شاخصه‌های ذهنی عینی و فراگیر، مادی و معنوی قرار گرفته است، نمی توان تعریف چندان متقنی از آن ارائه نمود. (کیانی؛ 1386: 13)

2-2. تعریف مفهوم منافع ملی

منافع ملی را می توان از دو زاویه مورد مطالعه قرار داد. دیدگاه هنجاری (Normative)، آن را مجموعه ایدئال‌ها و آرمان‌های یک کشور در مسیر هدایت سیاست خارجی بر اساس مفاهیم اخلاقی - حقوقی تعریف می کند، در حالیکه از دیدگاه توصیفی (Descriptive)، نفع ملی صرفاً از زاویه واقعیات مورد نظر و بدون توجه به ارزش گذاری‌های متافیزیکی تعریف می - شود. (حقیقت؛ 1376: 24)

مفهوم منافع ملی به دو شکل در روابط بین الملل به کار می رود: یکی به صورت ابزار تحلیلی برای شناخت هدف‌ها و دیگری به صورت یک مفهوم فراگیرگفتمان سیاسی به منظور توجیه اولویت‌های سیاست‌های کلی. در هر دو مورد منافع ملی به عوامل تعیین کننده‌ای که راهنمای سیاست دولت‌ها در رابطه با محیط خارجی باشد، اشارت دارد. (قوام؛ 1384: 315)

2-3. انواع منافع ملی:

انواع منافع ملی را می توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

2-3-1. منافع موازی:

در این نوع منافع به رغم آنکه هر یک از طرفین در صدد تحصیل آن از طریق همکاری و یا عدم همکاری با دیگران است، منجر به بروز تعارض میان دولت‌های ذی نفع نمی شود.

2-3-2. منافع متعارض:

تحصیل این نوع منافع با مناقشه و ستیزش همراه است و اهداف متعارض هریک از طرفین به منزله بی توجهی به خواست‌های دیگری تلقی می شود به گونه‌ای که امکان برقراری هر نوع سازش و توافقی میان دولت‌های ذی نفع از بین می رود و چنانچه عوامل برهم زننده تعادل سیستم مرتفع نشود، چه بسا دولت‌های متعارض به مواجهه مستقیم نظامی علیه

یکدیگر کشیده خواهند شد.

2-3-3. منافع مشترک:

به آن گروه از منافع گفته می شود که به تنهایی توسط یک دولت تأمین نمی شوند و تحقق آنها صرفاً از طریق همکاری و برقراری اتحادها با سایر واحدهای سیاسی امکان پذیر است.

2-3-4. منابع اختلاف زا:

این نوع منافع در مقایسه با منافع متعارض، عمق کمتری دارند و معمولاً درحالتی ظاهر می شوند که هر یک از دولت ها در صدکسب مناطق نفوذی برای خود باشد. شاید بتوان تنش-زدایی را در چارچوب منافع موازی، همکاری ها را بر اساس وجود منافع مشترک و بالاخره جنگ سرد را بر مبنای منافع اختلاف زا تبیین کرد. (قوام؛ 1389: 130)

2-4-2. دفاع از مفهوم منافع ملی

2-4-1. منفعت ملی تأمین کننده خیر مشترک است

در این دیدگاه، جامعه بازیگرانی مستقل از بازیگران خویش تلقی می شود که حیات آن متضمن صیانت از هنجارهای مشترکی است که روح کلی جامعه را شکل می دهند. براین اساس منافع ملی با همه ایراداتی که به آن وارد می شود، از آن حیث که تأمین کننده این دسته از نیازها است، ارزشمند و کارآمد است. به عبارتی دیگر، بقای جوامع انسانی بدون درک و توجه به منافع ملی اساساً ممکن نیست. (افتخاری؛ 1386: 42) خیر مشترک یا منفعت مشترک غایتی است که از طریق ملاحظات عقلایی در خصوص اینکه چه چیزی به سود و منفعت جامعه تمام می شود، حاصل می آید. (کلیتون؛ 1379: 126)

2-4-2. منفعت ملی راهنمایی بی بدیل برای مناسبات بین المللی است

با عنایت به ماهیت هرج و مرج گونه نظام بین الملل، ضرورت طراحی راهنمای عملی که بتواند بازیگران را از منازعه-تا حد امکان باز دارد و در صورت بروز اختلاف و منازعه، زمینه مناسب برای چانه زنی و حل و فصل اختلافات را هموار سازند، به میزان زیادی حس می

شود. در چنین فضایی ارزش کاربردی منافع ملی مشخص می شود. ادعای این گروه از اندیشمندان آن است که اگرچه ایرادات وارد شده بر مفهوم منفعت ملی کم و بیش می تواند وارد باشد، اما از آنجا که جایگزین مناسبی برای آن وجود ندارد که ضمن ارائه کارویژه فوق، از ایرادات مذکور بری باشد، می توان نتیجه گرفت که تمسک به منافع ملی حداکثر «شری ضروری» است که هیچ گریزی از آن نیست. (افتخاری؛ 1386: 42)

به طور کلی در دفاع از مفهوم منافع ملی می توان گفت که این مفهوم زاده دولت ملی است و تا زمانی که دولت های ملی به حیات خود ادامه دهند، کاربرد این مفهوم برای راهنمایی سیاست خارجی مناسب به نظر می رسد. شواهدی دال بر اینکه حاکمیت دولت ملی رو به تضعیف باشد درست نیست و از طرف دیگر می توان گفت که ماهیت دولت در روند جهانی شدن وابستگی متقابل دولت ها، کارکردهای دیگری نیز به خود گرفته است. با توجه به این امر باید توجه کرد، عدم توجه به این مفهوم می تواند استمرار حیات دولت ها را با خطر مواجه کند؛ بنابراین پذیرش منفعت ملی برای ما امتیازات متعددی را به دنبال خواهد داشت. (درویشی؛ 1387: 108) در وهله نخست، مفهوم منفعت ملی آشکارا ریشه در ارزش هایی دارد که تعیین کننده خیر و شر یک ملت در قلمرو روابط بین الملل است. گفته می شود منفعت ملی تعیین کننده قواعد عینی رفتاری کشورها در سپهر بین الملل است و کشورها با یاری جستن از این مفهوم به تدوین استراتژی ملی خود می پردازند. با این همه در واقع از آنجا که منفعت ملی ملهم از عناصر مادی و معنوی یک محیط سیاسی جغرافیایی به نام کشور است، لذا ارائه تعریفی دقیق، روشن و جامع از آن دشوار است. (کیانی؛ 1386: 211)

2-5. منافع ملی و مسئولیت های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

باوقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال 1357 و فروپاشی رژیم پهلوی، جمهوری اسلامی ایران بر اساس مکتب اسلام و جهان بینی اسلامی پایه گذاری شد. مهمترین ویژگی انقلاب ایران در مکتبی و اسلامی بودن آن است. (ستوده؛ 1386: 79) به طور کلی در سنت اسلامی از منافع ملی بحثی به میان نیامده است و به جای آن از مصلحت سخن گفته شده است و این مصلحت هم بیشتر مبنای شرعی دارد ولی بسیاری از فقها معتقدند مصلحت

شرعی محدوده خاصی ندارد و می تواند در جمیع حوزه ها کاربرد داشته باشد. (رنجبر؛ 1386: 67) مسئولیت واژه‌ای است که با حکومت‌های ایدئولوژیک (به معنای خاص کلمه) سازگارتر از حکومت‌های دموکراتیک و لیبرال می‌باشد. واژه مسئولیت (Responsibility) در این تحقیق به معنای «وظیفه» (Duty) استعمال شده است بنابراین: مسئولیت‌های فراملی دولت اسلامی عبارت است از تعهدات و وظایف برون مرزی دولت اسلامی نسبت به مسلمانان، مستضعفین و دیگر دول خارجی. (حقیقت؛ 1376: 26)

2-6. منابع و عوامل تعیین کننده مسئولیت:

نظام‌های مختلف سیاسی براساس منابع مشروعیت خود و معتقدات سیاسی مربوطه، اهداف و مسئولیت‌هایی درخارج از مرزها دارا می‌باشند. مجموعه این عوامل در نظام‌های مختلف عموماً و در نظام اسلامی خصوصاً عبارتند از: 1. ایده ثلوثی 2. عقل و فطرت 3. معاهدات و قراردادها 4. عرف و مصالح اجتماعی می‌باشد.

2-6-1. ایدئولوژی:

ایدئولوژی هر سیستم سیاسی به شرط کامل بودن می‌تواند مهمترین عامل تعیین کننده مسئولیت به شمار رود. در ایدئولوژی اسلامی، وحی و سنت مهمترین منابع تحدیدکننده مسئولیت در سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌شود. (لازم به ذکر است که از ایدئولوژی تعاریف متعددی شده است و برخی به جنبه‌های منفی آن پرداخته‌اند، اما در این رساله مراد ما از ایدئولوژی معطوف به بعد الهی و انسانی آن می‌باشد.)

2-6-2. عقل و فطرت:

عقل و فطرت در دین اسلام به مسائلی همچون اقامه قسط و عدالت، یاری مظلومین و کمک‌های انسان دوستانه حکم می‌کند.

2-6-3. معاهدات و قراردادها:

وفا و پایداری به عهد از اصول بنیادین مکتب اسلام می‌باشد که از صدر اسلام در دولت نبوی (ص) پی ریزی شده است، که در صورت صلاحیت انعقاد قرارداد محترم شمرده می‌شود.

2-6-4. عرف و مصالح اجتماعی:

عرف یا سیره در اصطلاح عبارت است از استمرار بنای عملی مردم بر انجام دادن یا ترک یک فعل و جریان الزامی یک رفتار یا سلوک خاص در میان افراد جامعه. (حقیقت؛ 1376: 43-44)

ارزش های ملی: به آن دسته از هنجارها، ایستارها و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که پیرامون آنان اجماعی عمومی حاصل آمده و «نظام صدقی» مسلطی را در یک جامعه ایجاد کرده اند.

مصالح ملی: عبارتند از مطلوب کلی و مداومی که ملتی به خاطر آن فعالیت می‌نماید. بنابراین مصالح ملی دربرگیرنده سیاست‌ها، خط مشی‌ها، تصمیم‌ها و اقداماتی است که از نظر صیانت ذات و بقا موجودیت و تمامیت یک کشور اهمیتی حیاتی دارد. (تاجیک؛ 1380: 94-93)

امنیت ملی در برگیرنده معانی و پدیده های زیر می‌باشد:

1. حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقا و ادامه سیستم اجتماعی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و حاکمیت کشور؛
2. حفظ منابع حیاتی کشور؛

3. فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور. (عامری؛ 1370: 179)
رابطه مسئولیت‌های فراملی و منافع ملی یکی از موضوعات اساسی در سیاست خارجی کشورهای اسلامی و به طور خاص جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده است. بین مسئولیت‌های فراملی و منافع ملی سه رابطه وجود دارد: 1. رابطه تباین 2. رابطه انطباق 3. رابطه انعطاف.

در درون هر یک از این روابط فرضی می‌توان دیدگاه‌های گوناگون و اشکال متفاوتی را در دو سر طیف مشاهده کرد. دیدگاه تباین بر تفاوت و تضاد مسئولیت‌های فراملی با منافع ملی تأکید می‌کند. دیدگاه انطباق (بر این همانی) این دو هدف در سیاست خارجی تأکید دارد و دیدگاه انعطاف هم بر آن است که با انعطاف پذیر کردن این متغیرها می‌توان به نوعی توافق نسبی میان آن دو دست پیدا کرد. باید تأکید کرد که هیچ یک از نوع دیدگاهها بر تباین مطلق یا

انطباق مطلق تاکید ندارند، بلکه در اغلب موارد نوعی قضاوت موردی را مبنای داوری خود قرار می دهند که بر اساس آن در برخی موارد همسویی و در برخی موارد تضاد مشاهده می شود و در واقع بحث اولویت این یا آن زمانی مطرح می شود که بین این دو تضاد وجود داشته باشد. (رنجبر؛ 1386: 82)

2-7. قدر متیقن مسئولیت های فراملی

قدر متیقن مسئولیت های فراملی در موارد زیر خلاصه می شود:

1. حداقل کمک به مستضعفین و ستمدیدگان، کمک های معنوی خصوصاً در صورت وجود مانع قوی در مقابل دیگر مساعدت ها می باشد و ضررهای جزئی از باب «النادر کالمعدوم» مانع تلقی نمی شود.
2. در صورتی که نیاز خارج از کشور از نوع ضروری و فوری و نیاز داخل کشور از قسم غیر ضروری باشد، بدون هیچ تفصیلی باید نوع اول را مقدم داشت.
3. همچنین اگر هر نوع نیاز از قسم واحدی باشند ولی در رتبه، متفاوت تلقی شوند، علی الاصول مرتبه اعلی مقدم است، هر چند نیاز خارجی باشد. به طور مثال اگر مورد داخلی و خارجی هر دو ذاتی باشند ولی رفع نیاز داخلی به حفظ جان، و مواسات و اعانت در خارج به حفظ دین بینجامد، باز رفع نیازهای خارجی اولی و مقدم خواهند بود. همچنین بدون شک بذل مال و ثروت دولت اسلامی برای حفظ جان مسلمانها در خارج از کشور، معقول و تکلیفی الهی به نظر می رسد. (حقیقت؛ 1376: 89-90)

2-8. جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

2-8-1. عناصر و مصادیق ملی

مهمترین کارکرد و هدف مفهوم منافع، توصیف و تعیین اصول و ارزش های اساسی و بنیادی برای رفتار جمهوری اسلامی ایران و سیاستمداران و تصمیم گیرندگان آن در روابط بین الملل می باشد. تلاش برای حفظ ارزش ها و ویژگی های ملی (اعم از ایرانی و اسلامی) در برابر دیگران و بیگانگان، معنای اولیه منافع ملی است. براین اساس منافع ملی جمهوری اسلامی

ایران را اینگونه می توان تعریف کرد: آرزوها، آمال و نیازهای ادراکی جمهوری اسلامی ایران (به عنوان یک دولت ملی و دارای حاکمیت) در رابطه با سایر کشورهای دارای حاکمیت که محیط خارجی آن را تشکیل می دهند. (دهقانی؛ 1386: 140)

هریک از نقش های ملی جمهوری اسلامی ارزش ها و منافع خاصی را ایجاد و ایجاب می کند که عناصر و ارکان منافع ملی آن را تشکیل می دهند. این ارزش ها را می توان در قالب چهار دسته از منافع عمده تقسیم بندی کرد: 1. منافع دفاعی 2. نظم جهانی 3. ایدئولوژیک 4. اقتصادی.

2-8-1-1. منافع دفاعی:

به معنای حفظ و صیانت دولت- ملت ایران یا میهن و شهروندان آن از تهدیدات و خشونت فیزیکی برخاسته از یک کشور یا بازیگر خارجی و یا حفظ نظام سیاسی جمهوری اسلامی از تهدیدات خارجی می باشد. بر اساس این تعریف منافع دفاعی جمهوری اسلامی ایران شامل این ارزش ها می شود: حفظ موجودیت نظام جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت ملت حفظ وحدت ملی.

2-8-1-2. منافع مربوط به نظم جهانی و نظام بین المللی:

حفظ و استقرار یک نظم و نظام سیاسی- اقتصادی بین المللی (اعم از منطقه ای و جهانی) است که جمهوری اسلامی ایران در آن احساس امنیت می کند و قادر است به صورت صلح آمیز در خارج از مرزهای خود به فعالیت های سیاسی و اقتصادی بپردازد. ارزش های زیر تشکیل دهنده منافع نظم جهانی مطلوب جمهوری اسلامی می باشند: ایجاد جامعه عدل اسلامی- جهانی، وحدت جهان اسلام، تغییر یا اصلاح نظم و وضع بین المللی موجود، اعتبار بین المللی، عدم شکل گیری هژمونی جهانی آمریکا و هژمونی منطقه ای اسرائیل، برابری عملی دولت ها و عدالت جهانی.

2-8-1-3. منافع اقتصادی:

به معنی ارتقا وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با سایر کشورهاست که شامل این موارد می گردد: توسعه و رفاه اقتصادی، معیشت ضروری مردم،

دسترسی به سرمایه و بازار جهانی، صادرات و واردات مواد اولیه و کالاهای صنعتی.

2-8-1-4. منافع ایدئولوژیک:

حفظ و گسترش مجموعه‌ای از ارزش‌های ایرانی، انقلابی و اسلامی است که ملت ایران در آن شریک و سهیم هستند و معتقدند که از درستی و مطلوبیت عام و جهان شمول برخوردار است. بدین ترتیب ایدئولوژی اسلامی و ارزش‌های شیعی و انقلابی بخش مهمی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. این منافع شامل این عناصر و ارزش‌ها می‌شود: حفظ موجودیت اسلام و مذهب تشیع، حفظ ارزش‌های دینی و انقلابی، حفظ انقلاب اسلامی، دفاع از مسلمانان و امت اسلامی، عدالت و مبارزه با ظلم، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، استعمار و استکبارستیزی، حمایت از مستضعفین و مظلومین، عزت نفس و آزادی عمل سیاسی. (همان، 143-142) دامنه منافع ملی ایران به جز محدوده داخلی و جغرافیای سرزمینی ایران، سه حوزه متداخل منطقه‌ای، اسلامی و جهانی را در بر می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، دایره و گستره منافع ملی خود را در سطح نظام فرعی خلیج فارس و خاورمیانه تعریف می‌کند. نقش‌های نشأت گرفته از هویت اسلامی ایران مانند حافظ کیان تشیع یا رهبر و مرکز جهان اسلام، بیانگر آن است که کشور در جهان اسلام نیز منافع را برای خود قائل است. فراتر از این، نقش‌های مبتنی بر هویت جهان سومی و غیرمتعهد جمهوری اسلام، ترسیم‌کننده قلمروی فرامنطقه‌ای منافع ملی کشور است. سرانجام، هویت‌ها و نقش‌هایی چون «ضد امپریالیست»، تجدیدنظر طلب و «حامی مستضعفین» اطلاق منافع ملی ایران را به سطح بین‌المللی و جهانی نیز گسترش می‌دهد. (همان، 148)

برخی از اصول قانون اساسی، خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را ترسیم کرده است که عبارتند از:

اصل 152: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

اصل 153: «هر گونه قرار داد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.»

اصل 154: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می شناسد، بنابر این درعین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.»

اصل 9: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند...»

اصل 11: «به حکم آیه کریمه «ان هذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، 92) همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

2-8-2. دستاورد نظری

1. باتوجه به مطالب فوق تلاش برای تامین منافع ملی و مصالح اسلامی در سیاست خارجه ایران از اهمیت بالایی برخوردار است.
2. بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی توجه به جهان اسلام و ملل محروم و مستضعف از اهمیت زیادی در سیاست خارجی ایران برخوردار است و ایران خود را نسبت به تحولات منطقه و انقلاب های عربی مسئول می داند.
3. انقلاب 2011 مصر می تواند سرآغازی نوین جهت سامان دهی به نظم نوین منطقه-ای و همگرایی جهان اسلام باشد؛ مشروط به آن که روند بیداری اسلامی همچنان در منطقه تقویت گردد.
4. روابط دوجانبه ایران و مصر می تواند استراتژیک محسوب شود و شناسایی زمینه ها و

فرصت‌های دوجانبه می‌تواند به تقویت روابط دوجانبه کمک کند.

3. کلیات:

3-1. سابقه روابط ایران و مصر

بعد از پایان جنگ جهانی دوم نظام دو قطبی بوجود آمد که دو ابر قدرت آمریکا و شوروی را در مقابل یکدیگر قرار داد. تفاوت در ایدئولوژی، ساختارهای اقتصادی، سیاسی و رابطه دولت-ملت از مهمترین مباحث اختلاف برانگیز این دو ابر قدرت بود؛ که همین امر باعث ایجاد یک نظام بین الملل جدید به عنوان بلوک شرق و غرب؛ یا به عبارتی بلوک سرمایه داری و سوسیالیسم شد. این دو بلوک در رقابت با یکدیگر بوده و هر کدام سعی می‌کرد تا دامنه حوزه نفوذ خود را گسترش دهد؛ این نظام دو قطبی بر خاورمیانه نیز تاثیر گذاشت. دولت‌های خاورمیانه به یکی از دو قطب وابسته شده بودند؛ در این راستا ایران در گروه بلوک غرب و مصر در گروه بلوک شرق درآمد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و بویژه پس از اشغال آذربایجان از سوی شوروی، شاه از جانب این کشور احساس خطر می‌کرد، لذا سیاست موازنه منقی دکتر مصدق را کنار گذاشت و سیاست ناسیونالیسم مثبت را اتخاذ نمود که منجر به شرکت ایران در پیمان بغداد- سنتو شد و در سال 1959 یک قرار داد نظامی دو جانبه با آمریکا منعقد کرد. جمال عبدالناصر نیز به شوروی نزدیک شد و سیاست ناصریسم را که مبارزه با غرب را دنبال می‌کرد برگزید. ناسیونالیسم عربی ناصر با ناسیونالیسم ایرانی در تضاد بود و تمامیت ارضی ایران را تهدید می‌کرد؛ با توجه به این شرایط نزدیکی ایران و مصر امکان پذیر نبود. (جعفری ولدانی؛ 1387: 17، 13)

اولین درگیری‌های مصر و ایران با یکدیگر ناشی از عضویت ایران در پیمان بغداد بود؛ این پیمان با مشارکت ایران- ترکیه- پاکستان و انگلیس ایجاد شد و ایران به خاطر خطر کمونیزم و مسأله امنیت خود به عضویت این گروه درآمد. با امضای پیمان بغداد سوء ظن ناصر به ایران تبدیل به یقین شد. ناصر پیمان بغداد را توطئه‌ای طراحی شده از جانب غرب برای جلوگیری از اندیشه ناصریسم و ایدئولوژی ناصر می‌دانست و آن را جبهه‌ای در مقابل وحدت

اعراب تلقی می کرد؛ اما مصر تنها از ایران احساس نگرانی نمی کرد، مسأله بعدی برای عضویت عراق در این پیمان بود، چرا که عراق یک کشور عرب به حساب می آمد و عضویت عراق در این پیمان با همه تلاش‌های ناصر جهت طرد غرب از سوی اعراب و اتحاد جهان عرب مغایرت داشت. (گلجان؛ 1384: 63)

در سال 1956 مصر برای احداث سد آسوان درخواست وام از آمریکا و انگلیس را کرد که با مخالفت روبرو شد، در نتیجه جمال عبدالناصر در 26 ژوئیه 1956 کانال سوئز را ملی اعلام کرد که از درآمد حاصله آن سد آسوان را بنا خواهد کرد. چون در مورد کانال سوئز جایگزین مناسبی وجود نداشت، لذا برای مقابله با اقدام مصر، دولت انگلیس کنفرانسی با شرکت تمام دولت های استفاده کننده از کانال سوئز در لندن تشکیل داد که نماینده ایران نیز در آن شرکت داشت. در این کنفرانس «دالس» وزیر خارجه آمریکا ضمن مخالفت با ملی کردن کانال سوئز، طرحی را ارائه نمود که به موجب آن اداره کانال توسط یک سازمان غیر سیاسی بین المللی انجام می شد و اداره کانال به این ترتیب از کنترل دولت مصر خارج می گردید. این طرح به تصویب رسید و قرار شد توسط یک هیأت 5 نفره که نماینده دولت ایران نیز عضو آن بود، برای ناصر تشریح گردد. وقتی ناصر طرح کنفرانس لندن را رد کرد، دولت‌های انگلیس و فرانسه با همدستی اسرائیل به مصر حمله کردند. در این هنگام دولت ایران از تمامیت ارضی مصر دفاع کرد و همچنین از اعضای پیمان بغداد دعوت کرد تا در تهران گرد هم آیند. در اعلامیه کنفرانس تهران در 10 نوامبر 1956 عمل تجاوز کارانه اسرائیل محکوم گردید و همچنین نیروهای فرانسه و انگلیس نیز باید خاک مصر را ترک کنند. با این حال جمال عبدالناصر، شاه ایران را همدست استعمارگران نامید و او را متهم کرد که در جنگ 1956 کانال سوئز علیه مصر اقدام کرده است؛ منظور وی صادرات نفت ایران به کشورهای مهاجم به ویژه اسرائیل بود. (جعفری ولدانی؛ 1387: 20) و (کدیور؛ 1373: 99-98)

آغاز جنگ سرد، دوری مصر از غرب و نزدیکی آن به شوروی، پیمان بغداد و بحران کانال سوئز، موجب رشد نیروهای رادیکال و طرفدار شوروی در خاورمیانه شد و موجب نگرانی آمریکا گردید. دکترین آیزنهاور در 1957 در راستای اعطای کمک های نظامی و اقتصادی آمریکا به کشورهای خاورمیانه و دفاع از آنها در برابر تهدیدات شوروی بود. ایران به

همراه دولت‌های ترکیه، عراق و پاکستان در 21 ژانویه 1957 حمایت خود را از دکترین آیزنهاور اعلام و آن را بهترین وسیله برای حفظ صلح در منطقه و پیشرفت اقتصادی آن دانستند. در مقابل سخنگوی دولت مصر بامحکوم کردن این طرح، در کمتر از یک ماه از اعلام دکترین آیزنهاور، جمال عبدالناصر در فوریه 1957 جمهوری عربی متحده مرکب از دو استان سوریه و مصر را ایجاد نمود و به این ترتیب به دکترین آیزنهاور واکنش نشان داد. ایران با وحدت مصر و سوریه مخالفت کرد و از مخالفین این وحدت پشتیبانی کرد. مخالفت ایران با وحدت مصر و سوریه موجب شد تا علاوه بر تشدید خصومت میان دو کشور، ناصریست‌ها در کشورهای منطقه نیز به دشمنی با ایران برخیزند. آنها مخالفت ایران با وحدت مصر و سوریه را خصومت با اتحاد اعراب تلقی کردند. کودتای عراق و خروج آن از پیمان بغداد سبب شد که ایران، ترکیه و پاکستان این مسأله را بپذیرند که در حقیقت با اسرائیل منافع مشترک دارند، در اینکه مخالف نفوذ شوروی در خاورمیانه هستند و از دخالت‌های ناصر در امور سایر کشورها منطقه نگرانند. لذا شاه احساس می‌کرد که اسرائیل می‌تواند هم در زمینه تأمین امنیت داخلی به وی کمک کند و هم دولت آمریکا را که «کندی» به ریاست جمهوری آن انتخاب شده بود، وادار کند تا از انتقاد از رژیم وی خوداری نماید. در 24 ژوئیه 1960 شاه طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخته است. (جعفری ولدانی؛ 1387: 27، 23) جمال عبدالناصر نیز در پی نطقی علیه حکومت شاه، دستور قطع رابطه سیاسی با تهران را به دلیل هم پیمانی شاه با اشغالگر صهیونیست صادر کرد؛ او این همدستی را مغایر با آرمان کشورهای عربی و اسلامی تلقی کرد. متعاقب این اقدام ناصر، «شیخ شلتوت» رئیس دانشگاه الازهر مصر نیز در تلگرامی به شاه در 5 مرداد 1339، اقدام وی را در به رسمیت شناختن و شناسایی اسرائیل خیانت به مسلمین نامید و از وی انتقاد کرد. (قاسمی؛ 1390: 364) ارسال نفت ایران به اسرائیل طی این سال‌ها نقش مهمی در خصومت مصر با ایران داشت. «لئونارد بیندر» در این باره می‌نویسد: «یکی از عوامل قطع رابطه سیاسی ایران و مصر این بود که ایران مقادیر زیادی نفت به اسرائیل می‌داد و از آن طرف کالاهای اسرائیلی وارد می‌کرد. (گلجان؛ 1384: 126)

ناصر از نیروهای ضدشاه و مخالف حکومت ایران حمایت می‌کرد، از قبیل کمک مالی

و تعلیمات نظامی برای مبارزه با شاه؛ همچنین ناصر از درگیری بین ایران و عراق بر سر مساله ارونند رود، علیه ایران بهره برداری کرد و در 23 مرداد 1339، اتحادیه عرب با اعمال نفوذ ناصر، نام خلیج فارس را به نام جعلی «خلیج عربی» تغییر داد و کنفرانس حقوق دانان عرب نیز در 1342 تحت نفوذ ناصر برای نخستین بار از خوزستان ایران با نام جعلی « عربستان » یاد کردند. این اقدامات که با پوشش «پان عربیسم» تبلیغ می شد از یک سو شکاف بیشتر بین شاه و سایر رژیم های عرب را در پی داشت و از سوی دیگر، به حمایت بیش از پیش امریکا و رژیم صهیونیستی از شاه انجامید. (قاسمی؛ 1390: 366)

بزرگترین تحول در سطح منطقه جنگ 1967 اعراب و اسرائیل بود که نتایج آن عبارتند

از:

1. شکست ناصر و جهان عرب از اسرائیل و کاهش نفوذ و تأثیر ناصر و ناسیونالیسم او در جهان عرب؛
2. تغییر روش ناصر در سیاست خارجی؛
3. تعدیل شخصیت انعطاف پذیر ناصر و روی آوردن ناصر به سیاست های معتدل؛
4. تبدیل دوستان مصر به دشمنانش (سوریه و عراق در مقابل مصر قرار گرفتند)؛
5. کاهش دخالت کشورهای عرب در امور داخلی یکدیگر به دلیل کاهش نفوذ ناصر و ناصریم؛
6. به خطر افتادن تمام اعتبار ناصر و اینکه ناصر بزرگترین قربانی جنگ 1976م. بود؛
7. تمایل ناصر به ارتباط با کشورهایی که او قبلاً آنها را مرتجع می دانست، مثل عربستان و ایران. (گلجان؛ 1384: 158)

از طرفی محمدرضا شاه نیز برای آنکه در معرض نفرت ملت های مسلمان قرار نگیرد، در عین حفظ مناسبات پنهان خود با صهیونیست ها، علیه آنان نیز موضع گیری می کرد؛ از جمله اینکه ایران تجاوز اسرائیل را محکوم و خواهان خروج اسرائیل از اراضی اشغالی اعراب شد و همچنین اقدام صهیونیست ها را در به آتش کشیدن مسجد الاقصی را محکوم کرد و حتی در شکل گیری سازمان کنفرانس اسلامی که نتیجه همان آتش سوزی بود، نقش مدیریتی داشت. این مساله تاثیر عمده ای در نزدیکی این دو کشور به هم داشت تا ایران و مصر روابط سیاسی

خود را در اوت 1970 از سر گیرند. (قاسمی؛ 1390: 367)

با مرگ جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر در 1970 وی سیاست گرایش به شرق را رها و سیاست گرایش به غرب را اتخاذ نمود. سادات برای ماندن بر مسند قدرت در مصر با توجه به ناملایمتی‌های ناشی از شکست، خود را نیازمند نزدیک شدن به آمریکا می دید و همین نزدیک شدن به آمریکا و گرایش از سوسیالیسم به لیبرالیسم، مصر را به ایران که قدرتمندترین بازوی آمریکا در منطقه بود، نزدیک کرد. (بیات؛ 1379: 66) و در فوریه 1974 روابط سیاسی خود را که در سال 1967 با آمریکا قطع شده بود را برقرار کرد؛ شاه در برقراری روابط سیاسی بین مصر و آمریکا نقش مهمی ایفا کرد. مصر سرانجام در مارس 1976 معاهده دوستی و همکاری با شوروی را لغو و پایگاه‌ها و تسهیلات آنان را در اختیار آمریکا قرار داد. (جعفری ولدانی؛ 1387: 39) با روی کار آمدن سادات در مصر تفاوت دیدگاه‌های دو کشور در مورد نظام بین الملل از میان رفت. شاه و سادات در مورد مسائل بین المللی و منطقه‌ای، از جمله بحران خاورمیانه و فلسطین اتفاق نظر داشتند. در این دوره، نیازهای مبرم مصر به ثروت و همچنین قدرت نظامی ایران، بیش از پیش مصر را جذب ایران ساخت. (پیشگاهی فرد؛ 1388: 162) روابط دو کشور بعد از جنگ 1973م. (اعراب و اسرائیل) با همکاری‌های همه جانبه اقتصادی ایران برای بازسازی مصر و دوستی و تفاهم رهبران دو کشور و مسافرت‌های آنان به اوج خود رسید. ایران با کنترل تنگه هرمز و مصر با کنترل کانال سوئز هر دو می توانستند ابتکار عمل سیاسی، اقتصادی، خاورمیانه را در دست داشته باشند. (گلجان؛ 1384: 205)

دو سال پس از جنگ رمضان هنگامی که سادات در پاییز 1356 در ناباوری ملت‌های مسلمان به اسرائیل سفر کرد، شاه ایران بعد از کارتر دومین رئیس کشوری بود که این سفر را مورد حمایت قرار داد و از مشوقان سادات در این سفر و نیز در تلاش برای صلح با اسرائیل بود. هنگامی که سادات در 25 خرداد 1355 به تهران آمد، شاه تلاش کرد تا وی را به برقراری رابطه سیاسی با اسرائیل متقاعد سازد که این امر منجر به انعقاد پیمان «کمپ دیوید» بین مصر و اسرائیل شد که از ابتدای شکل گیری تا مراحل نهایی آن مورد حمایت شاه قرار گرفت. بر اساس این پیمان، اسرائیل از سوی مصر به رسمیت شناخته شد؛ اسرائیل موظف شد از تمام

صحرای سینا عقب نشینی کند؛ این قرارداد اولین پیمان میان اعراب و اسرائیل بود. در نتیجه جایزه صلح نوبل سال 1978 به انور سادات و مناخیم بگین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی به طور مشترک تعلق گرفت. (قاسمی؛ 1390: 370) در سال 1930 میلادی یک قرارداد بازرگانی بین ایران و مصر به امضا رسید و مناسبات بازرگانی گسترش زیادی پیدا کرد. پروتکل اقتصادی بین وزرای اقتصاد دو کشور در اردیبهشت 1353 به امضا رسید و در نتیجه آن پیش بینی شده بود که ایران در طرح های مشترک و کمک به آبادانی و نوسازی مناطق جنگ زده مصر بیش از 850 میلیون دلار سرمایه گذاری نماید. (تکیه‌ای؛ 1375: 100)

3-2. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر روابط دو کشور

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و مصر دستخوش تیرگی شد؛ بطور کلی می-توان گفت عوامل زیر، تاثیرات مهم در واگرایی بین دو کشور داشته است:

1. امضای قرار داد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل؛
 2. همکاری نزدیک نظامی مصر با آمریکا؛
 3. اتهامات مصر به ایران در مورد حمایت از جنبش های اسلامی مصر؛
 4. حمایت مصر از عراق در طول جنگ تحمیلی؛
 5. حمایت مصر از ادعای امارات، درخصوص جزایر سه گانه. (حسینی؛ 1381: 318)
- انقلاب اسلامی، انقلابی ضدصهیونیستی و ضد آمریکایی بود و طبعاً نمی‌توانست رابطه مثبتی با حکومت سادات برقرار کند. گرچه در دستورالعمل حضرت امام (ره) به آقای دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه وقت، برای قطع رابطه با مصر، تنها به پیمان کمپ دیوید اشاره شد؛ اما رژیم سادات خصومت های دیگری نیز با جمهوری اسلامی ایران داشت. از جمله این خصومت‌ها می‌توان به پذیرایی سادات از شاه ایران در کشاکش انقلاب و خودداری از تحویل وی، دشمنی و ستیزه جویی با انقلاب اسلامی ایران، تبلیغ علیه امام خمینی (ره) و واگذاری پایگاه نظامی به آمریکا برای استفاده از آن در حمله به خاک ایران اشاره کرد. (قاسمی؛ 1390: 371)

سادات و مبارک هر دو انقلاب ایران را تهدیدی برای امنیت ملی مصر تلقی می‌کردند.

انقلاب ایران تمام دولت‌های محافظه کار، ضعیف، ناپایدار و فاسد عرب را تهدید می‌کرد. خوف از همکاری جمهوری اسلامی ایران با جنبش اسلامی مصر از جمله مطالبی است که دائماً موجب نگرانی حکام مصر بوده است. این مسائل ایران و مصر را در روی یکدیگر قرار داد به طوری که کمتر از 3 ماه بعد از پیروزی انقلاب، ایران روابط سیاسی خود را با مصر و اسرائیل قطع کرد. (تکیه‌ای؛ 1375: 99) چنانچه انقلاب اسلامی ایران شدیداً مورد توجه اسلام‌گرایان مصری قرار گرفت و مدل حکومتی ایران مورد قبول آن‌ها واقع شد. به طوری که در سال 1985 سازمان جهاد اسلامی مصر صریحاً خواستار ایجاد یک جمهوری اسلامی به سبک ایران در مصر شد. (جعفری ولدانی؛ 1387: 109)

یکی از عواملی که خصومت و دشمنی بین ایران و مصر را تشدید نمود، مواضع این کشور در جریان جنگ ایران و عراق بود. مصر از اینکه حمله عراق به ایران می‌توانست سدی در مقابل گسترش انقلاب ایران باشد، بسیار خشنود بود از این رو روابط اقتصادی و نظامی مصر و عراق به سرعت گسترش یافت؛ که این همکاری شامل موارد: 1. ارسال اسلحه به عراق 2. مهاجرت کارگران مصری به عراق 3. اعزام داوطلبان مصری به جبهه جنگ 4. اعزام متخصصان نظامی به عراق. چنانچه حسنی مبارک به صراحت اعلام اظهار داشت: میان امنیت مصر و امنیت خلیج فارس رابطه مستقیم وجود دارد و مصر به هیچ وجه شکست عراق و یا تهدید دولت‌های خارجی فارس را تحمل نخواهد کرد. (جعفری ولدانی؛ 1381: 193)

مصر در جریان هیاهوی مربوط به جزایر ایرانی تمب و ابوموسی در سال 1992 نقش اساسی را بر عهده داشت. این کشور چه بصورت انفرادی و چه در اجلاس 2+6 و نیز در اتحادیه عرب حداکثر تلاش را در افشاندن بذر تنش و باور کردن آن در منطقه به عمل آورد. مصر در جریان جنجال جزایر سه گانه، نقش هماهنگ کننده و رهبری مخالفت‌ها و اعتراض‌ها را علیه ایران بر عهده داشت و نخستین کشوری بود که پیشنهاد کرد برای تصرف جزایر باید به قوای خارجی متوسل شد. انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران و تلاش‌های وی برای نزدیکی بیشتر ایران به اعراب و بویژه مصر، مواضع مصر را در مورد جزایر ایرانی تا حدودی تعدیل نمود؛ ولی مصر همچنان بر مالکیت امارات بر این جزایر حمایت می‌کرد. (جعفری ولدانی؛ 1387: 70) چنانچه «عمرو موسی» وزیر امور خارجه وقت مصر بیان کرد: بهبود

روابط مصر و ایران به معنی نادیده گرفتن موضع امارات متحده عربی در مورد جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی نیست؛ وی این اظهارات را در واکنش به انتقاد امارات از نزدیک شدن قاهره و تهران به یکدیگر عنوان کرد. (حسینی؛ 1381: 320)

توسعه روابط ایران با سودان نیز یکی از علل عدم بهبود روابط ایران و مصر است. به نظر «باکینام شرقاوی» مصر روابط ایران با سودان را گسترش نفوذ ایران در مناطق دور دست و خارج از نفوذ حیاتی و سنتی آن و تلاش برای ائتلاف علیه مصر در مرز جنوبی خود می‌داند و از آن نگران است. آنچه بیشتر موجب نگرانی مصر شده، همکاری های نظامی و امنیتی ایران و سودان است. مصر ادعا می‌کند که در ژوئن 1992 یک قرارداد 25 ساله که قابل تمدید برای 15 سال دیگر نیز هست بین ایران و سودان امضا شده که به موجب آن ایران می‌تواند از بندر سودان برای مقاصد نظامی و غیر نظامی استفاده کند. از سوی دیگر مصر ادعا می‌کند که ایران و سودان از اسلام‌گرایان مبارز مصری حمایت می‌کنند. و همچنین ایران با اعطای کمک‌های مالی و نظامی به سودان می‌خواهد این کشور را به قدرت منطقه‌ای قابل ملاحظه در مقابل مصر در شرق آفریقا و دریای سرخ تبدیل کند. به ادعای مصر هدف ایران از توسعه روابط ایران با سودان ایجاد یک محور ضد مصر است. ایران تمام این گزارش‌ها و ادعاها را رد کرده و اعلام نمود که همکاری‌های آن با سودان علیه کشورهای دیگر نیست. (جعفری ولدانی؛ 1381: 175)

3-2-1. تعامل و همکاری های ایران و مصر

پس از پایان جنگ ایران و عراق، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جنگ نفت در خلیج فارس (حمله عراق به کویت) زمینه‌های نزدیکی دو کشور فراهم گردید. به گفته «روح الله رضانی» پایان جنگ ایران و عراق، نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران در خاورمیانه بود. ایران در راستای نزدیک شدن به مصر، اسرای مصری را به عنوان یک اقدام بشر دوستانه آزاد کرد. (رضانی؛ 1388: 131) «گراهام فولر» می‌نویسد: اشغال کویت در اوت 1990 نشان دهنده برداشتن گامی بلند به سمت نزدیکی بالقوه مصر و ایران بود. در واقع اشغال کویت از سوی عراق تهدیدی برای موقعیت منطقه‌ای مصر و ایران بود. در صورتی که عراق در این مورد

موفق می‌شد، وضعیت ژئوپولیتیکی ایران و مصر به خطر می‌افتاد، لذا هر دوکشور با آن به مخالفت برخاستند و خواستار خروج نیروهای عراقی از کویت و آزادی و استقلال این کشور شدند. در نتیجه این مسأله ایران و مصر را به یکدیگر نزدیک‌تر نمود. به دنبال آن روابط دوکشور رو به گسترش نهاد، حملات تبلیغاتی دوکشور متوقف شد و دفاتر حافظ منافع ایران و مصر در تهران و قاهره در فوریه 1992 بازگشایی گردید. (جعفری ولدانی؛ 1387: 68) پیمان اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل در بهبود روابط ایران و مصر موثر بوده است. ترکیه و اسرائیل در سال 1995 یک پیمان همکاری نظامی استراتژیک با یکدیگر امضا کردند؛ همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل فشار بر سوریه، ایران و مصر را تشدید نمود. مصر پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل را عامل برهم زنده موازنه قدرت در منطقه می‌دانست و آن را نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی مصر، بلکه آن را خطری برای امنیت تمام کشورهای عربی اعلام کرد. از سوی دیگر پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل امنیت ملی ایران را نیز مورد تهدید قرار داده است. این پیمان به اسرائیل اجازه داده تا در مرزهای غربی ایران حضور نظامی پیدا کند و نقاط حیاتی و استراتژیک ایران را مستقیماً مورد تهدید نظامی قرار دهد. علاوه بر آن اسرائیل با حضور در مرزهای غربی کشور، امکان کسب اطلاعات امنیتی در مورد ایران را بدست آورده است. به این ترتیب پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل موجب نگرانی هر دو کشور ایران و مصر شد. این پیمان و نیز برکناری دولت اسلام‌گرای اربکان، تمایل ایران را به همکاری با مصر بیشتر کرد. به دنبال آن ایران و مصر به طور مشترک در تنظیم بیانیه کنفرانس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران در سال 1997 که همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل را محکوم می‌نمود، همکاری نمودند. (جعفری ولدانی؛ 1387: 78) و (حسینی؛ 1381: 327) حضور ایران و مصر در کمیته قدس، از جمله موارد و زمینه‌های مناسب همکاری بین دوکشور است. ایران و مصر در مورد ضرورت احقاق حقوق مشروع مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل آنان به پایتختی قدس، اتفاق نظر دارند. با این حال دوکشور در مورد انتخاب روش‌ها با یکدیگر اختلاف نظر دارند. تهران بر استمرار مقاومت و حمایت همه جانبه از انتفاضه تأکید می‌کند؛ درحالیکه قاهره سیاست «تعدیل» و «تمکین» را در دستور کار خود قرار داده است. (جعفری ولدانی؛ 1387: 83) و (حسینی؛ 1381: 303) و مسأله (NPT)؛ موضع جمهوری اسلامی

ایران و مصر درخصوص پیمان منع گسترش سلاح های کشتار جمعی به هم نزدیک بوده است. در این زمینه، دو کشور ازحامیان اصلی طرح پاک سازی منطقه خاورمیانه از سلاحهای کشتار جمعی و اتمی هستند. (حسینی؛ 1381: 303)

3-3. تاثیر انقلاب 2011 مصر بر روابط دو کشور

با انقلاب اخیر مصر در سیاست خارجی آن تحول ایجاد شد و از شدت احساس تهدید دولت مصر نسبت به ایران موقتاً کاسته شد و زمینه‌های برقراری روابط دیپلماتیک دو دولت فراهم شد. ازطرفی تجدید روابط این دو کشور بر توازن قوای منطقه‌ای می‌توانست اثرگذار باشد؛ بنابراین اقدامات مثبت طرفین و گسترش روابط به تدریج می‌توانست احساس تهدید طرفین را از میان بردارد و زمینه را برای گسترش روابط و تثبیت آن فراهم نماید. در دیدار روسای جمهور ایران و مصر؛ در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۱ در قاهره بر این نکات تاکید شده است؛ دکتر احمدی‌نژاد اظهار داشت: ایران و مصر دو کشور بزرگ، با تاریخ و تمدن دیرینه و برخوردار از فرهنگ بسیار بالایی هستند که نقش سیاسی و بسیار مهمی در منطقه دارند، روابط دو ملت همواره روند مثبتی داشته و امروز باید همه ظرفیت‌ها را برای افزایش سطح این روابط فعال کنیم. رئیس جمهور ایران با تاکید بر اینکه با گسترش همکاری‌های ایران و مصر قدرت جدیدی در منطقه ایجاد خواهد شد، تصریح کرد: اگر ایران و مصر با هم باشند، دشمنان بین المللی بشریت نمی‌توانند هیچ آسیبی به ملت‌های ما واردکنند. وی تعمیق و تحکیم روابط تهران و قاهره در بخش‌های مختلف را مورد تاکید قرار داد و گفت: ایران و مصر ظرفیت‌های فراوانی برای گسترش همکاری در زمینه‌های مختلف صنعتی، بازرگانی، علمی، گردشگری و فرهنگی دارند که باید همه آنها را به نفع دو ملت و ملت‌های منطقه فعال کنیم. «محمد مرسى» رئیس جمهور مصر نیز در این دیدار با بیان اینکه روابط ایران و مصر از جایگاه مهم و تاثیرگذاری در منطقه و جهان برخوردار است، اظهار داشت: امروز همکاری ایران و مصر در تمام زمینه‌ها لازم و ضروری است، از این رو بسیار خرسند هستم که شخصاً از جنابعالی استقبال کردم و بسیار مایلم که از فرصت این سفر برای رایزنی در موضوعات مختلف منطقه‌ای و بین المللی و نیز تحکیم روابط دو جانبه نهایت استفاده را به عمل آوریم. رئیس

جمهور مصر گفت: انقلاب مصر شرایطی همانند انقلاب ایران دارد و از آنجایی که مصر فرصتی مانند ایران برای پیشرفت سریع ندارد، از این رو گسترش همکاری‌ها و روابط با ایران را بسیار مهم و ضروری می‌دانیم. وی تصریح کرد: وقتی جبهه دشمنان وجود دارد باید جبهه دیگری نیز در برابر آنان وجود داشته باشد و این بدون اتحاد و همکاری کشورهای اسلامی ممکن نیست؛ تفرقه اندازی دشمنان نمی‌تواند به روابط دو ملت و ملت‌های اسلامی آسیب بزند.

(<http://irinn.ir/7882>) در دوره محمد مرسی، علیرغم تلاش ایران بر برقراری ارتباط با این کشور، متأسفانه منتخبین مردم مصر با پشت پا زدن به آرمان‌های مردم، فریب وعده‌های آمریکا را خورده و حتی بر روابط با رژیم صهیونیستی تاکید ورزیدند؛ به افراط‌گرایی دامن زده و از تروریست‌هایی که علیه دولت قانونی بشار اسد در سوریه می‌جنگیدند، حمایت نمودند.

در 30 ژوئن (نهم تیر 1392) پس از برکناری «محمد مرسی» رئیس جمهور قانونی مصر با کودتای ارتش و روی کار آمدن «عبدالفتاح السیسی» به عنوان رئیس جمهور جدید مصر، شکل دیگری بر روابط این دو کشور حاکم شده است: «عبدالفتاح السیسی» در مصاحبه با خبرگزاری کویت (کونا) گفت: امنیت خلیج فارس خط قرمز است و جدای از امنیت ملی مصر نیست و به عنوان مثال هر آسیبی به شهروندان کویتی و سعودی برسد، برادران مصری نیز آزرده شده و برای کمک به آنها و دفع خطر قیام خواهند کرد. او درباره آینده روابط کشورهای عربی با ایران گفت که اگر ایران خواهان توسعه روابط است باید حسن نیت خود را نشان دهد. وی افزود که توسعه روابط باید دوجانبه باشد و برای تحقق این امر مجموعه عواملی لازم است که توان رشد، استمرار و شکوفایی روابط را ممکن می‌سازد و از جمله این عوامل نیز وجود اراده سیاسی است. (<http://shafaf.ir/288084>) «خالد سعید عماره» رئیس دفتر حافظ منافع مصر در ایران؛ 12 خرداد 1393 در دیدار با «محمد نهاوندیان» رئیس دفتر رئیس جمهور، دعوت‌نامه رسمی مصر از رئیس جمهور ایران برای حضور در مراسم تحلیف السیسی را به نهاوندیان تقدیم کرد و «حسین امیرعبداللهیان» معاون عربی و افریقایی وزارت امور خارجه کشورمان به منظور شرکت در مراسم تحلیف «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهور جدید مصر به قاهره سفر کرد. (<http://aftabnews.ir/247285>)

جمهوری اسلامی ایران در قبال دعوت رسمی دولت مصر از رئیس جمهور کشورمان، در سطح معاون وزیر، نماینده اعزام نمود. این بدان معنی است که علاوه بر این که ایران به طور کامل موافق فرآیند طی شده در مصر نیست، لیکن نگاه به آینده دارد و امیدوار است به جای دفتر حافظ منافع در کشور مصر با جمعیتی مسلمان و دارای فرهنگ کهن و تأثیر گذار در جهان عرب، سفارتخانه و سفیر داشته باشد و تعاملات و مراودات فرهنگی بین نخبگان و مردم دو کشور گسترش یابد. در عین حال روابط دو کشور با موانع و چالش‌های زیادی مواجه شده است و نقطه‌های امیدی که با انقلاب 2011 مصر ایجاد شده بود با موانع جدیدی مواجه گشت و لازم است موانع و فرصت‌های روابط دو جانبه شناسایی شود و در جهت تحکیم روابط دو کشور تلاش گردد. در فصول آینده مهمترین فرصت‌ها و موانع عمومی فراروی روابط دو کشور بررسی می‌شود، به علاوه این، فرصت‌ها و چالش‌های ویژه‌ی دوران ریاست جمهوری مرسی و السیسی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.